



روش‌های تربیتی پسران

(چرا پسران متفاوت‌اند، و چگونه به آن‌ها کمک

کنیم

تا مردانی متعادل و موفق باشند)

مترجم :

منیره قیصری

نقیسه عباسپور اصفهانی

تقدیم به تمام مادران و پدران ایران زمین، تا از

وجود خود،

این دهکده‌ی جهانی را درخشان کنند.

مقدمه مترجم

زمانی که والدین فرزند پسرشان را در آغوش می‌گیرند از خود می‌پرسند فرزندم چگونه است و چگونه می‌توانیم لحظات خوبی را با فرزندم داشته باشیم. این کتاب مجموعه‌ای از روش‌های تربیتی پسران است که خصوصیات مهم و بارز آنها را از تولد تا بزرگسالی بررسی و بیان کرده است. این کتاب مورد استقبال بی‌نظیر خانواده‌ها در سر تا سر دنیا قرار گرفته است.

پسرها عشق ورزیدن و دوست داشتن را از مادرشان یاد می‌گیرند. به پسرها پیاموزید که با همه‌ی انسان‌ها محترمانه رفتار کنند. از گرایش داشتن به روابط پسر - دختری در کم‌تر از شانزده سالگی ممانعت کنید. از شش تا چهارده سالگی

دوره‌ای است که پسران بیش‌تر اشتیاق، نیاز، دلگرمی و الگوپذیری از یک مرد را دارند. ظاهر و قامت پسران را تحسین کنید. هرگز ارتباط با دنیای او و علایقش را نابود نکنید که در این صورت به درون خود فرو می‌رود.

وقتی فرزندان‌تان از کلمات تحقیرکننده یا توهین‌آمیز در مقابل دیگران استفاده می‌کند در مقابل آنها بایستید. روزی را مختص مراسم ورود به سن بلوغ قرار دهید که تقریباً سن ده سالگی زمان مناسبی برای این رویداد است. خانواده‌هایی که به نوجوانان کم‌تر محبت می‌کنند، بیش‌ترین خشونت را در سن بزرگسالی دارند. پسرهایی که دوست دارند دختر باشند یا لباس‌های دخترانه بپوشند به علت تأخیر در بلوغ دچار چنین مشکلی

می شوند و حضور پدر بسیار مهم است.
امید داریم که این کتاب بتواند به شما والدین در
حل مشکلات و ارتباطی با پسران کمک کند.

منیره قیصری

نقیسه عباسپور اصفهانی

۱۳۹۴

gheisarimonir@gmail.com

فصل اول

پسر ها چگونه هستند؟

شب گذشته، برای قرار ملاقاتی در شهر رانندگی می کردم که دوباره با حادثه‌ای که برای چند مرد جوان اتفاق افتاده بود مواجه شدم، سه ماشین جلوتر از من بزرگراه را بسته بودند. راننده‌ی یک اتومبیل سواری پسر هفده‌ساله‌ای بود که به همراه چهار نفر از دوستانش سعی داشتند از ترافیک رها شوند اما دچار فاجعه‌ای شده بودند. کامیونی از پشت سر به آنها برخورد کرده بود و آنها را پنجاه متر در امتداد جاده با خود کشیده بود و در اثر برخورد ماشین به طرز

وحشتناکی آسیب دیده بودند. فوراً گروه‌های کمک‌رسان، نیروی آتش‌نشانی، نیروی امداد، پلیس و آمبولانس رسیدند. افرادی که در تیم‌ها کار می‌کردند خیلی سریع اما با آرامش سعی بر آن داشتند که از پس این حادثه بر آیند.

راننده‌ی جوان که بیهوش شده بود آرام آرام از صحنه‌ی تصادف دور شد. چهار سرنشین دیگر هم دچار جراحی شدیدی شده بودند. یک خانم مسن که شاید مادر یکی از آن پسرها بود، دوان دوان از زمین کشاورزی که نزدیک آن حوالی بود آمد. پلیس با مهربانی او را آرام کرد.

از یک طرف مردها بی‌تجربه و خطرپذیر و از طرف دیگر توانمند، دلسوز و با ثبات هستند. این حادثه، موقعیت مردان را برایم مورد ارزیابی قرار

داد. مردان وقتی خوب از کار در می آیند، بی نظیر، فداکار، شجاع و سخت کوش هستند ولیکن مردان جوان در موقعیتی بسیار آسیب پذیر و مستعد وقایع ناگوار هستند. این روزها وقتی شاهد متولد شدن پسر هستیم، نمی توانیم به این نگرانی خود کمک کنیم که آینده ی این پسر چه خواهد شد؟

پسرها در معرض خطر هستند

سی سال گذشته، این دختران بودند که هر کسی نگران شان بود. در سر تا سر جهان، تلاشی مداوم و عظیم انجام شد تا افق دید دختران را شکوفا کند و به آنها این اعتماد به نفس را بدهد که می توانند هر آنچه برای زندگی شان دوست

دارند انجام دهند و موانع پیشرفتشان را از بین ببرند. امروزه، این دختران هستند که با انگیزه‌تر و توانمندتر در راستای اهدافشان قدم برمی‌دارند. بیش‌تر دخترها نسبت به پسرها مدارس را به اتمام می‌رسانند، به دانشگاه راه می‌یابند و نمرات بهتری کسب می‌کنند.

والدین دخترها دریافته‌اند که دختران‌شان بر تلاش بی‌وقفه‌ی خود ادامه می‌دهند و تمام توجه خود را متمرکز می‌کنند و مهم‌تر این که می‌دانند چه هدفی را دنبال کنند در صورتی که پسرها هدفی ندارد. به نظر می‌رسد پسرها در زندگی سرگردان، در مدرسه ناموفق، در روابط دست و پا چلفتی و در معرض خطر احتمالی الککل و

داروهای مضر هستند.

تفاوت‌ها از همان ابتدا یعنی دوران پیش‌دبستانی آغاز می‌شود. دخترها در کنار هم با خوش حالی و پر انرژی فعالیت می‌کنند، در صورتی که پسرها با سر و صدا کردن و فریاد زدن به این طرف و آن طرف می‌دوند. آن‌ها دخترها را اذیت می‌کنند و با یک‌دیگر دعوا می‌کنند. در دوران دبستان، پسرها آشفته و حیرت زده هستند و غالباً بر سر موضوعات کوچک با هم نزاع می‌کنند. معلم‌ها تمام وقت خود را برای کنترل پسرها صرف می‌کنند و از توجه به دخترها غافل می‌شوند. وقتی آن‌ها (پسرها) به کلاس سوم راه می‌یابند، اکثرشان بیش‌تر وقت کتاب نمی‌خوانند. آن‌ها فقط با

گفتن جملات یک کلمه‌ای از جمله «ها»؟
«آهان!» صحبت می‌کنند. در دوران دبیرستان در
جلسات بحث و گفتگو، کنسرت‌ها، شورای
دانش‌آموزی و هر فعالیت غیرورزشی شرکت
نمی‌کنند. آن‌ها تظاهر می‌کنند که به چیزی
اهمیت نمی‌دهند.

در حوزه‌ی ارتباطات، پسرهای نوجوان اصلاً
به دخترها اطمینان ندارند و نمی‌دانند چگونه با
آن‌ها ارتباط برقرار کنند. برخی به شدت خجالتی
و برخی دیگر پرخاشگر و بی‌ادب می‌شوند. به
نظر می‌رسد آن‌ها حتی مهارت‌های اصلی
گفتمان را نمی‌دانند.

مهم‌ترین نکته در رابطه با والدین موضوع
سلامتی آن‌ها است که همیشه والدین نگران آن

هستند. بین سال‌های پانزده تا بیست و پنج سالگی، پسرها سه برابر بیش‌تر از دخترها به دلایلی همچون تصادف، خشونت و خودکشی جان خود را از دست می‌دهند و به ازای هر پسری که در جاده می‌میرد، بیش از ده نفر دچار صدمات مغزی می‌شوند و مجبورند از ویلچر استفاده کنند یا قربانیان پنهانی هستند. والدینی که پسر دارند همیشه این ترس و نگرانی را با خود به دوش می‌کشند که آیا وقتی پسر نوجوان‌شان با دوستش بیرون می‌رود به سلامت به خانه بازمی‌گردد یا نه؟

خبرهای خوب

گفتن مطالب ناخوشایند دیگر کافی است. آنچه که همه‌ی ما می‌خواهیم این است که

مردان جوان خوش حال، خلاق، دلگرم، سلامت، با انگیزه و مهربان باشند. همه چیز این است! ما انتظار داریم پسرانمان به مردان جوان و با لیاقتی تبدیل شوند که راه‌حل‌هایی برای معضلات قرن بیست و یکم ارائه دهند. علاوه بر آن انتظار داریم که ظرف‌ها را بشویند و اتاق‌شان را مرتب کنند.

در ده سال گذشته، تا حدود زیادی در مورد ماهیت واقعی پسرها آگاهی داشتید مطالبی که احتمالاً شما را متعجب و خوش حال می‌کند. تصور می‌کنیم این کتاب مایه‌ی آرامش و تسکین شما در زمان خواندن شود. سی سال این موضوع که پسرها و دخترها دقیقاً مانند هم هستند، مرسوم و باب روز بود. لیکن والدین و

مربیان می گویند این دیدگاه عملی و مؤثر نیست.
گستره‌ی وسیعی از تحقیقات جدید مغزی
تأیید می‌کند که حس والدین در مورد پسرها به
شیوه‌های مثبت متفاوت است. در آغاز مهم است
که چگونه مرد بودن آن‌ها را به هر شکلی که
وجود دارد مورد تحسین قرار دهیم و آن را به
شکل خوب درآوریم نه این که فقط آن را
سرکوب کنیم.

در این کتاب بسیاری از روش‌های کنترل و
درک پسرها را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در
فصل دوم سه مرحله‌ی متفاوت رشد آن‌ها را
شرح خواهیم داد.

● از تولد تا شش سالگی - سال‌های عشق و

دل بستگی

- از شش سالگی تا چهارده سالگی -
سال‌هایی که پدران نقش پررنگ‌تری دارند.
- از چهارده سالگی تا بزرگسالی -
سال‌هایی که پسرها به مشاوران و بزرگسالان
و همچنین والدین‌شان برای مراقبت نیازمندند.

با دانستن این مراحل شما در مورد آنچه که آینده روی خواهد داد آرامش بیش‌تری بدست می‌آورید و این که چگونه این دانسته‌ها را در زندگی پسرتان به مرحله‌ی عمل درآورید آمادگی لازم را بدست خواهید آورد.

در فصل سوم، اثرات هورمون‌ها بر روی رفتار پسرها را مورد بررسی قرار خواهیم داد و این که چگونه به آن‌ها کمک کنیم تا نیروهای قدرتمند رشد را در مسیر درستی هدایت کنند را

شرح می‌دهیم. هر فردی اطلاعاتی در مورد هورمون‌ها دارد، اما نکته این است که چه زمانی هورمون‌ها وارد عمل می‌شوند و تأثیرات‌شان را بر روی رفتار فرد نشان می‌دهند؟

چرا اغلب در سن سیزده سالگی اثرات گیج و منگی دارند و در سن چهارده سالگی بسیار جنجالی هستند؟ و چگونه با درک و حفظ شوخ طبعی‌تان آن را می‌توانید کنترل کنید؟ در فصل چهارم، به بررسی برخی نتایج جدید و مهم در مورد روش‌هایی که در آن مغز پسرها آسیب‌پذیر هستند، و این که چگونه مغز یک پسر فعال می‌شود تا با نیمکره‌ی چپ و راست رابطه برقرار کند و بتواند در برقرار کردن ارتباطات موفق باشد، می‌پردازیم. از این جهت وقتی شما با

کودکان یا بچه‌های نوپا و پسرهای سنِ مدرسه حرف می‌زنید، همکاری متقابل دارید و داستان برایشان تعریف می‌کنید، در واقع شما ارتباط عصبی‌شان را می‌سازید و در نتیجه آن‌ها مردانی خواهند شد که با واژه‌ها و احساسات ملموس و آشنا خواهند شد. دنیا این روزها به مردانی که همیشه گلاویز هم می‌شوند نیاز ندارد، بلکه به مردانی نیازمند است که بتوانند با افراد رابطه‌ی خوب و صحیحی برقرار کنند.

در فصل پنجم، به موقعیت بسیار مهم پدران می‌پردازیم. به نظر می‌رسد بیش‌تر پسرها می‌خواهد عادات و رفتار قدیمی پدران‌شان را اصلاح کنند اما نمی‌دانند که چگونه این کار را انجام دهد. ما به شما برخی سرنخ‌ها را نشان

می‌دهیم. ارزش‌گذاری به مقام پدری یکی از مثبت‌ترین تحولاتی است که در سی سال گذشته صورت گرفته است. اگر شما که این مطلب را می‌خوانید مادری تنها هستید، به شما خواهیم گفت که چه کاری می‌توانید انجام دهید تا مطمئن شوید پسران در زندگی‌اش با مردان خوبی در ارتباط است.

در فصل ششم داستان‌ها و روش‌های علمی را بیان می‌کنیم که رابطه‌ی حیاتی بین مادران و پسران دارد. مادران نیازمندند که اعتماد پسران‌شان را جلب کنند، در رابطه با آن‌ها فرد مؤثری باشند، به آن‌ها کمک کنند تا مهارت‌های فردی را بدست آورند و رفتار درستی با جنس مخالف داشته باشند. «مادر یک دوست دختر با

تجربه است» و به پسر آموزش می‌دهد که چگونه به سمت سعادت و خوشبختی حرکت کند.

☑ کمک عملی

خبرهای خوب در مورد پسرها

خبرهای مُمیج و دلگرم‌کننده‌ای در مورد پسران امروزی وجود دارد که هر پدر و مادر پسرداری را علاقه‌مند می‌کند. در سال ۲۰۰۷ دولت آمریکا یک گزارش مفصل و جامع در مورد بچه‌های ایالات متحده‌ی آمریکا منتشر کرد، که منابع دولتی از آموزش گرفته تا تشکیلات قضایی و سرشماری را شامل می‌شد. وضعیت موجود آن‌چه را که کارشناسان در ارتباط با پسرها به آن شک داشتند و آن‌چه که والدین برای چندین سال به ما گفته بودند را

مورد تأکید قرار داد. چیزهایی که برای پسرها بسیار بد و ناخوشایند بودند ولی اکنون بهتر شده است.

گزارش حاکی از آن بود که «اُفت نگران کننده‌ای در عملکرد پسران آمریکایی وجود دارد» که طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ رخ داده بود. سوءاستفاده از داروها، خشونت، تجاوز، خودکشی و بی‌قید و بندی جنسی افزایش یافته بود و انجام تکالیف مدرسه که هرگز برای پسرها مهم نبود - بیش‌تر کاهش یافته بود در صورتی که دخترها به سمت پیشرفت حرکت می‌کردند. سپس، در اواخر سال ۱۹۹۰ (زمانی که کارشناسان و معلمان همه‌ی تلاش‌شان را برای انجام کارهای مثبت در رابطه با پسرها شروع کردند) این پروسه شروع شد تا در مسیری بهتر و

مؤثرتر تغییر یابد.

امروزه پسران نسبت به قبل در انجام کارها
بهبتر شده‌اند. از این رو ما هم انگیزه‌ای برای جشن
گرفتن و هم دلیلی برای انجام دادن صحیح آن
داریم.

ابتداء، خبرهای بد

خودکشی: هنوز هم درصد خودکشی پسرهای آمریکایی نسبت به دخترهای آمریکایی پنج برابر است.

تحصیلات: دخترها نسبت به پسرها بیش تر به دانشگاه می روند و نسبت ۴ به ۳ دارند. (همچنین بیش تر دخترها نسبت به پسرها دبیرستان را به اتمام می رسانند).

سلامتی: تعداد پسرهای چاق از سال ۱۹۷۰، ۴۰۰ درصد افزایش یافته است. غذاهای آماده و کم تحرکی پسران مان را در معرض بیماری های گوناگون قرار داده است.

جنایت: جنایت جوانان از سال ۱۹۹۲، دوسوم کاهش یافته است. تعداد پسرهای جنایت کار در زندان نصف شده است.

سوء استفاده از داروها: از سال ۱۹۸۰ تعداد پسرهای دبیرستانی که مصرف کننده ی دارو هستند نصف شده است.

استفاده از الکل: امروزه مصرف نوشیدنی های خطرناک میان پسرها در پایین ترین سطح وجود دارد. (هنوز هم از ده پسر، دو نفر الکل مصرف می کنند).

روابط جنسی: در مقایسه با سال ۱۹۹۰ کم تر از ده درصد از پسر و دخترهای

دبیرستانی روابط جنسی دارند. در میان نوجوانانی که روابط جنسی دارند، از هر ده نفر هفت نفر از کاندوم استفاده می کنند، در حالی که در سال ۱۹۹۰ این نسبت پنج به ده بود. میزان حاملگی و سقط جنین در نوجوانان نسبت به قبل کم تر شده است.

اشتغال به کار: از سال ۱۹۸۰ تعداد بیکاران جوان به یک چهارم کاهش یافته است. مردان سیاه پوست جوان در زمینه ی اشتغال بیش تر موفق بوده اند. در سال ۱۹۸۴ بین رنج سنی هجده و نوزده ساله از سه مرد سیاه پوست جوان یک نفر بیکار بوده است. امروزه این رقم به یک در پنج کاهش یافته است (یعنی از هر پنج نفر، یک نفر بیکار است).

و اما علت چیست؟

بر اساس داده‌های جمع‌بندی شده از والدین در سال ۱۹۶۵، زمانِ کودکِ محور سیزده ساعت در هفته بود و در سال ۱۹۸۵ به یازده ساعت در هفته کاهش و در سال ۲۰۰۵ این زمان به بیست ساعت در هفته افزایش یافت! یکی از دلایل این است که بچه‌ها زمانِ بیش‌تری را با پدران‌شان سپری می‌کردند - و تأثیر بسزایی در تمرکز آنها داشت - در دهه‌ی گذشته برخی از والدین فعالیت‌های کودکِ محوری‌اشان را دو برابر کرده‌اند.

نکته‌ای که ما می‌توانیم برای حصول اطمینان به والدین و معلم‌مان بگوییم این است که: مراقب پسرها باشید، آنها را بهتر درک کنید و زمان

بیش تری را با آنها سپری کنید.

در فصل هفتم در مورد پسرها و مسائل جنسی آنها صحبت می‌کنیم، موضوعی که به نظر می‌رسد هم واقعاً خوب و یا واقعاً بد برای پسرها باشد. از آنجایی که مدرسه مکانی است که پسرها نیمی از زمان زندگی‌شان را قبل از بلوغ در آنجا سپری می‌کنند، در فصل هشتم به این موضوع می‌پردازیم که چگونه می‌توانیم به روش‌های فوق‌العاده‌ای مدارس را اصلاح کنیم. همچنین این مسئله که پسرها مدرسه را تا زمانی که کم سن و سال هستند شروع نکنند، چون مغزشان در یک توالی متفاوت و آهسته‌تر از دخترها رشد می‌کند بررسی می‌کنیم. در این جا ما به شما کمک خواهیم کرد تا تصمیم بگیرید که

کدام مدرسه و کدام معلم به رشد و شکوفایی پسر شما بهتر کمک خواهد کرد.

در فصل نهم ما نگاهی به ورزش‌ها می‌اندازیم، که اثرات بسیار نافذی بر جسم و روح پسرها دارد البته در صورتی که ورزش صحیح انجام شود می‌تواند بسیار سودمند و مفید برای آنها باشد.

در پایان و در فصل دهم ما روش‌هایی را پیشنهاد می‌دهیم که کل جامعه بتوانند از پسرها در مسیر زندگی‌شان حمایت کنند تا به مردان واقعی تبدیل شوند. والدین بدون کمک نمی‌توانند این کار را انجام دهند. والدین می‌خواهند که گزینه‌هایی برای انتخاب داشته باشند، حتی زمانی که پسرهای‌شان هنوز بچه‌های

کوچک هستند. شما به مجموعه‌ای از دوستان و خانواده‌ای گسترده نیازمندید تا دوران بلوغ بی‌خطری را برای پسران مهیا کنید. عجیب و گیج‌کننده است؟ حالا وقت آن رسیده که شروع کنیم از همین حالا پسرها می‌توانند متشخص و مهم شوند. ما می‌توانیم به آنها کمک زیادی کنیم. درک و شناختِ درست آنها راه حل است.

فصل ۲

سه مرحله رشد از کودکی تا نوجوانی

آیا تا به حال آلبوم عکس پسر یکی از خویشاوندانتان که در آن عکس‌های پسر از دوران کودکی تا بلوغ در آن باشد را دیده‌اید؟ اگر دیده‌اید، شما متوجه شده‌اید که پسرها در یک مسیر یکنواخت رشد نمی‌کنند. به نظر می‌رسد آن‌ها در عرض یک یا دو سال رشد یکنواختی دارند ولی ناگهان یک شبه تغییراتی را مشاهده می‌کنیم که فقط تغییرات ظاهری است. در حالی که از درون، تغییرات مهم‌تری در حال رخ دادن است. مرحله‌ی رشد و شخصیت به اندازه‌ی رشد جسمی خودبه‌خودی نیست. شاید مردانی را دیده باشید که از نظر جسمی بزرگ

باشند، اما از نظر ذهنی و روحی ضعیف و شکننده‌اند به این دلیل که آن‌ها به صورت افراد بالغ رشد نکرده‌اند. چنین مردانی در هر جایی هستند، آن‌ها ممکن است ثروتمند، قدرتمند، رئیس جمهور یا یک غول اقتصادی باشند، اما وقتی شما به آن‌ها نگاه کنید می‌گویید آن‌ها هنوز مثل یک پسر بچه رفتار می‌کنند و فرد قابل اعتمادی نیستند.

اگر شما به پسرها کمک نکنید، خوب رشد نمی‌کنند. شما نمی‌توانید فقط برایشان غذا آماده کنید، لباس‌های تمیز برایشان فراهم کنید و انتظار داشته باشید که یک روز مانند مرد از خواب بیدار شوند! شما باید از سلسله برنامه‌هایی پیروی

کنید.

نکته مهم این است که بدانیم چه چیزهایی و چه زمانی لازم هستند؟

خوشبختانه، پسران برای یک مدت بسیار طولانی تجربه اندوخته‌اند. هر فرهنگی در دنیا با چالش رشد و شکوفایی پسران مواجه شده و راه‌حل‌هایی برای آن یافته‌اند. سه مرحله‌ی رشد یعنی از کودکی تا نوجوانی برای تمام پسران اینگونه است، یک بومی آمریکایی به نام کالاهاری بوش‌من و یک بومی استرالیایی درباره‌ی این مراحل تحقیقاتی کرده‌اند. این اطلاعات از مطالعات علمی و بررسی‌های هورمون‌ها و تصویر ذهنی بدست آمده است. هر زمانی با والدین درباره‌ی این مراحل گفتگو

کرده‌ایم، گفته‌اند که «درست است!» زیرا این مراحل را با تجربه‌شان کسب کرده‌اند. پیش از این والدین در مورد این قبیل مسائل دقیقاً چیزی نمی‌دانستند.

نگاهی به این مراحل می‌اندازیم

۱ - اولین مرحله‌ی رشد پسران از تولد تا شش سالگی است. این فاصله‌ی زمانی موقعی است که پسر بیش‌تر به مادرش وابسته است. او پسر «مادرش» است، اگرچه پدر هم نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. هدف از این مرحله عشق‌ورزی و دادن امنیت بالا و حرکت پسر به سوی یک زندگی گرم و تجربه‌ای لذت‌بخش است.

۲ - مرحله‌ی دوم شامل سال‌های شش تا چهارده سالگی است. یعنی زمانی که پسر علیرغم میل درونی‌اش، می‌خواهد یاد بگیرد که یک مرد باشد و هر چه بیش‌تر از نظر علائق و فعالیت، به پدرش شبیه باشد. (هر چند که مادر در این مرحله مشارکت دارد و دنیای پیرامون او را کنترل می‌کند.) هدف از این مرحله ایجاد و کسب توانایی و مهارت، هم‌زمان با افزایش محبت و نشاط در او می‌باشد تا او به یک فرد متعادل تبدیل شود. این همان سنی است که پسر از این که جنس مذکر است احساس شادی و امنیت می‌کند.

۳- و در پایان، سال‌های چهارده سالگی تا بزرگ‌سالی است. سال‌هایی که او می‌خواهد سفرش به بزرگ‌سالی را کامل کند و نیاز دارد دانش مشاوران مرد را به کار گیرد. مادر و پدر کمی بار مسئولیت‌هایشان کم‌تر می‌شود، اما باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که مشاوران خوب و با تجربه‌ای در زندگی پسرشان وجود داشته باشد در غیر این صورت به گروه همسالانی که فاقد صلاحیت لازم برای همنشینی و شکوفایی او هستند تکیه می‌کند. هدف از این مرحله آموختن مهارت‌ها، مسئولیت و احترام به خود برای پیوستن هر چه بیشتر به جامعه‌ی بزرگ‌سالان است. [لطفاً توجه کنید: این مراحل دال بر یک انتقال ناگهانی از یکی از والدین به دیگری

نیست. درست نیست که در دوران رشد پسران مرحله‌ای مربوط به مادر، مرحله‌ای مربوط به پدر و مرحله‌ای مربوط به مشاور باشد. [برای مثال، یک پدر می‌تواند کارهای زیادی از تولد تا بعد از آن را انجام دهد یا حتی وقتی نیاز است می‌تواند نقش مادر را ایفا کند.

این مراحل بر این نکته دلالت دارند که: نقش پدر از شش تا سیزده سالگی بیش‌تر حائز اهمیت است و اهمیت نقش مشاوران از چهارده سالگی به بعد افزایش می‌یابد.

به زبان ساده‌تر، در هر مرحله اجزاء سازنده جدیدی اضافه می‌شوند.

این سه مرحله به ما کمک می‌کند تا در مورد آنچه که انجام می‌دهیم دانش لازم را داشته

باشیم. برای مثال، وقتی پسری در دوران سنی شش تا چهارده سالگی قرار دارد پدر نباید تمام زمان مشغول به کار باشد و یا خودش را از نظر عاطفی یا فیزیکی از خانواده دور نگه دارد. اگر پدری چنین کارهایی را انجام دهد به پسرش صدمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند (اگر چه بیش‌تر پدران در قرن بیستم اینگونه بوده‌اند و یا حتی ما هم دوران کودکی خود را اینگونه به یاد می‌آوریم).

این مراحل به ما گوشزد می‌کنند که وقتی پسران مان در دوره‌ی نوجوانی هستند باید از جامعه کمک بیش‌تری بگیریم - نقشی که قبلاً اعضای فامیل از جمله عموها، پدربزرگ‌ها انجام می‌دادند یا رابطه‌ای که بین استاد و شاگرد بود.

در اغلب موارد، نوجوانان به طرف دنیای بزرگان حرکت می کنند، اما کسی نیست که جلوی آنها را بگیرد. آنها دوران نوجوانی و اوایل دوران بزرگسالی شان را در یک مرحله ی نیمه کاره ی خطرناک تنها با هم سن و سال هایشان که به آنها وابسته هستند می گذرانند.

این احتمال وجود دارد که بیش تر مشکلات رفتاری پسران از جمله کم انگیزه بودن برای ادامه ی تحصیل در مدارس، افسردگی، درگیر شدن با قانون همچون نوشیدن مشروبات الکلی، دعوا و مشاجره، جرم و جنایت و غیره به این علت باشد که اطلاعات کافی در مورد این مراحل نداشته ایم و در زمان مناسب سازنده ی انسانی صحیح را فراهم نکرده ایم. این مراحل آن قدر مهم هستند که باید به دقت و جزء به جزء

به آن نگاه کنیم و تصمیمی درست در مواجهه شدن با آنها بگیریم. این کاری است که اکنون انجام خواهیم داد.

از تولد تا شش سالگی: سال‌های آرام

کودکان، کودک هستند. پسر یا دختر بودن برای آنها مطرح نیست و برای ما هم باید این گونه باشد. کودکان دوست دارند آنها را در آغوش بگیریم، با آنها بازی کنیم، قلقلکشان بدهیم تا کِرِکِرِ خنده کنند و محیط اطرافشان را بشناسند و بررسی کنند. شخصیت‌های آنها خیلی متفاوت است. با برخی از آنها می‌توان به راحتی کنار آمد. برخی ساکت و آرام هستند و ساعات طولانی می‌خوابند. برخی پرسر و صدا و

کم خوابند و همیشه دوست دارند شیطنت کنند. برخی دیگر بی‌قرار و ناآرام هستند و برای اطمینان خاطر آنها نیاز است که بدانند ما در کنار آنها هستیم و دوست‌شان داریم. آنچه کودکان و بچه‌های نوپا بیش‌تر نیاز دارند این است که یک پیوند خصوصی حداقل با یک نفر داشته باشند. معمولاً این شخص مادرشان است. از یک جهت به این علت که او تنها کسی است که خود را مشتاق‌تر و با‌انگیزه‌تر نسبت به او نشان می‌دهد، و از جهت دیگر (اگر شیر مادر می‌خورد) به او شیر می‌دهد، از جنبه دیگر مادر با شیوه‌ی خاص خود با در آغوش گرفتن کودک به او آرامش می‌دهد. معمولاً مادر بهترین فردی است که می‌تواند آنچه کودک نیاز دارد را برآورده سازد. هورمون‌های مادرانه (به خصوص

پرولاکتین وقتی مادر به کودک شیر می‌دهد در جریان خونش آزاد می‌شود) باعث می‌شود که مادر در کنار فرزندش باشد و تمام توجه‌اش را به او معطوف کند. به جز تغذیه با شیر مادر، پدران می‌توانند تمام نیازهای یک کودک را فراهم کنند اما به‌طور متفاوتی این کار را انجام می‌دهند. مطالعات نشان می‌دهد که پدران در بازی‌ها پرنرژی‌تر هستند و دوست دارند بچه‌ها را به هیجان درآورند در حالی که مادران بیش‌تر تمایل دارند آن‌ها را آرام کنند. (گرچه گاهی اوقات پدران مانند مادران نمی‌خواهند و تلاش می‌کنند کودک را آرام کنند!)

تفاوت‌های جنسیتی

برخی تفاوت‌های جنسیتی بین دختران و پسران از همان ابتدا شروع به نمایان شدن می‌کنند. اینجا برخی از تفاوت‌ها که محققان به آن دست یافته‌اند را بیان می‌کنیم:

● نوزادان پسر کم‌تر متوجه صورت‌شان هستند.

● شبکیه در پشت چشم پسران به طور متفاوتی شکل می‌گیرد، به طوری که آن‌ها متوجه بیش‌تر حرکات می‌شوند و مقدار کمی رنگ و بافت دارد.

● پسران سریع‌تر از دختران رشد می‌کنند و قوی‌تر می‌شوند، با این حال وقتی از مادرشان جدا می‌شوند بیش‌تر اذیت می‌شوند.

● پسران در دورانی که تازه راه افتاده‌اند بیش‌تر به این طرف و آن طرف می‌روند و فضای زیادی را اشغال می‌کنند. آن‌ها بیش‌تر دوست دارند با اشیاء دست و پنجه نرم کنند و با آن بازی کنند - و با لگوها ساختمان‌های بلندی بسازند در حالی که دختران ساختن ساختمان‌های کوتاه‌تر را ترجیح می‌دهند.

● در پیش‌دبستانی، پسران به بچه جدید که وارد گروه می‌شود توجهی نمی‌کنند در حالی که دختران این‌گونه نیستند و به فرد جدید دست دوستی می‌دهند. مطالعات نشان می‌دهند که والدین دختر را بیش‌تر در آغوش می‌گیرند، حتی اگر نوزاد دختر تازه متولد شده باشد. متأسفانه، بزرگسالان با پسران

بیش تر با خشونت رفتار می کنند و با نوزاد
پسر کم تر صحبت می کنند و مادرانی که از
تنبیه های فیزیکی استفاده می کنند احتمالاً
پسران را سخت تر و بیش تر از دختران کتک
می زنند.

آموزش دوست داشتن

اگر مراقبت و وظیفه اصلی فرزند به عهده ی
مادر باشد، پسر به او به عنوان اولین الگوش برای
آموختن عشق و محبت نگاه می کند. از همان
دورانی که بچه راه رفتن را شروع می کند تا بعد،
اگر مادر با قاطعیت محدودیت هایی را برای
پسرش در نظر بگیرد بدون این که او را تنبیه یا
خجالت زده کند، او به راحتی شرایط را می پذیرد.

پسر برای خشنود کردن مادرش کاری می کند تا مادر بتواند او را راحت تر کنترل کند زیرا دلبستگی و عشق او به مادر بسیار زیاد است. او می داند جایگاه خاص در قلب مادرش دارد. شاید در ابتدا انتظار کشیدن و تغییر رفتار برای پسر گیج کننده باشد، اما او بر این موانع غلبه خواهد کرد چون می داند که موجود دوست داشتنی مادر است و نمی خواهد فردی که قلب و هستی اش است را عصبی کند. علاقه مادر به آموزش دادن و محبت کردن به پسرش کمک می کند تا مغز فرزندش رشد کند و مهارت های کلامی را بهتر بیاموزد و به فردی اجتماعی تر تبدیل شود. در بخش بعدی نشان خواهیم داد که

این موضوع برای پسران حائز اهمیت است زیرا آنها نسبت به دختران به کمک بیش تری نیاز دارند تا بتوانند مهارت های اجتماعی را کسب کنند. اگر مادری خیلی سخت افسرده شده باشد و در سال های اول یا دوم زندگی پاسخگوی نیازهای او نباشد، ممکن است مغزش تحت تأثیر تغییرات فیزیکی قرار گیرد و به یک «ذهنی غمگین» تبدیل شود. اگر مادری همیشه عصبانی باشد یا فرزندش را کتک بزند، پسر از این که آیا مادرش او را دوست دارد یا نه دچار سردرگمی می شود. لطفاً توجه کنید (آنچه که ما در مورد آن صحبت می کنیم عصبانیت همیشگی است نه آنچه که برای تمام والدین گاهی رخ می دهد).

کسانی که در کنار مادران جوان هستند باید

دقت لازم را داشته باشند که به این مادران در انجام کارها کمک کنند و از آنها حمایت نمایند تا مادران مطمئن شوند تنها نیستند و درگیر کارهای روزمره فیزیکی نمی‌باشند. یک مادر به کمک دیگران نیازمند است تا پایه‌های زندگی‌اش را تحکیم بخشد و اینگونه است که می‌تواند آرام باشد و این مسئولیت مهم را انجام دهد. اگر ما مراقب مادران جوان باشیم آنها می‌توانند به نحو احسن از کودکان‌شان مراقبت کنند. علاوه بر همسران که اولین افرادی هستند که می‌توانند کمک کنند، خانواده و همسایگان هم در این گروه قرار می‌گیرند.

چه اتفاقی بین مادر و پسر بچه رخ می‌دهد؟

علم به سختی مقوله‌ای شبیه عشق و دوستی را اندازه‌گیری کرده است اما به هدف نزدیک‌تر شده است. مطالعه‌ی محققان درباره‌ی مادران و کودکان و آنچه را که «زنجیره‌ی توجه مشترک» نامیده می‌شود را مشاهده کرده‌اند. این عشق در عمل است، عشقی که می‌توانید ببینید. وقتی محققان رفتار مادران و کودکان را در طول روز فیلم‌برداری کردند، دریافتند که زنجیره‌ی توجه مشترک هر پنج‌جاه یا صد بار در یک روز اتفاق می‌افتد. شما هم این حس را با فرزندتان

تجربه کرده‌اید. بچه با غان و غون کردن یا گریه کردن توجه شما را به خود جلب می‌کند. شما به سمت او می‌دوید، تا به شما نگاه کند. کودک از این که تماس چشمی برقرار می‌کند خوش حال می‌شود و این خوش حالی را با تکان خوردن نشان می‌دهد. شما هم به او پاسخ می‌دهید. ممکن است شما او را جایی نگه دارید یا مکانش را عوض کنید، یا ممکن است کودک در خانه نزدیک جایی که مشغول به کار هستید سینه خیز بیاید. این ارتباط ادامه می‌یابد و کودک یک سری کلمات را ادا می‌کند و بسیار شاد و مسرور می‌گردد.

یک نوع زنجیره‌ی توجه مشترک زمانی است